

## راهکارهای علمی رفع اختلاف قرائت\*

احمد صادقیان\*\* و محمدجواد کوچک یزدی\*\*\* و عبدالحمید نوردی\*\*\*\*

### چکیده

بررسی اختلافات قرائت، نقد و یا ترجیح یک قرائت بر قرائت دیگر، یکی از موضوعاتی است؛ که جایگاه ویژه نزد مفسرین و فقیهان جهان اسلام دارد، و با وجود این اختلاف، یکی از راهکارهایی که می‌تواند به رفع آن بپردازد؛ تمسک به دانش زبان عربی از حیث صرف، نحو و لغت می‌باشد. مرور بر روی مقالاتی که در این حوزه کار شده و برآیند بررسی‌ها، حاکی از آن است، که ادعای تواتر قرائت قابل قبول نیست، هرچند که دانشمندان علم قرائت موافقت با خط مصحف، صحت سند و شهرت قرائت و پذیرفتگی در زبان عربی را مشروط صحت قرائت می‌دانند؛ ولیکن منطقی‌ترین و علمی‌ترین راه رفع اختلاف بهره‌گیری از ادبیات عرب و الهام از ملاک‌های ترجیحی از جمله ترجیح واژگان، ترجیح نحوی، ترجیح مبتنی بر پیوستگی، جهت دسترسی به قرائت صحیح و ارجح می‌باشد؛ که اهمیت تحقیق فراگیر در این علم را نمایان می‌سازد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، اختلاف قرائت، تواتر قرائت، نقد و ترجیح قرائت، تواتر قرآن، قرائت عامه، قرائت صحیح، قرائت هفت گانه

\*. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۴ و تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۹/۱۲.

\*\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی یزد: ahmadsadeghian13@yahoo.com

\*\*\* استادیار دانشگاه پیام نور واحد مهریز: Mj.koochakyazdi@yahoo.com

\*\*\*\* دانشجوی دکتری قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی یزد (نویسنده مسئول): abdolhamid.navardi@gmail.com

## مقدمه

قرائت در لغت و عرف به معنای خواندن و تکلم کردن و به لفظ آوردن کلمه‌ها و عبارات‌ها است (صفی‌پور، منتهی‌العرب، بی‌تا: ۳/ ۱۰۰۵، انیس و دیگران، المعجم الوسیط، ۱۴۰۸: ۷۷۲)، خواندن قرآن در واقع همان قرائت است، که کلمات و عبارات آن به لفظ، جاری می‌گردد (زرقانی، مناهل‌العرفان، ۴۱۲: ۱/ ۱۴۱۶) و از آن جایی که روح الامین، برای اولین بار قرآن را بر پیامبر ﷺ قرائت و نازل کرده، لذا قرائت صحیح را همان قرائتی می‌دانیم که پیامبر اسلام ﷺ، قرآن را با خوانده‌اند (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۴۱۵: ۵/ ۳۹۷). و حضرت محمد ﷺ در زمان خود، با همان قرائتی که بر قلب نازنینشان وحی شده، بر مردم تلاوت و ابلاغ فرمودند. از زمانی که قرآن نازل شده، اکثر آیات آن با یک قرائت، اداء شده است و هیچ مشکلی در قرائت درست و صحیح آن نمی‌باشد ولیکن بعضی از کلمات آن موجب اختلاف شده و با قرائت‌های متفاوتی روبرو شده است. موضوعی که اکنون علمای جهان اسلام بر سر آن بحث دارند که کدام از آن خواندن‌ها، با خواندن پیامبر اسلام ﷺ مطابقت دارد.

لذا شناخت قرائت صحیح آیات از دو جهت برای مسلمانان اهمیت و ضرورت دارد: اول از جهت قرائت قرآن و ترغیب به آن (مزمّل/ ۲۰؛ کلینی، اصول‌الکافی، ۱۴۱۳: ۲/ ۵۸۲) و واجب بودن قرائت سوره حمد و یکی دیگر از سوره‌های قرآنی در نماز و دوم از جهت تفسیر قرآن (العروة الوثقی، طباطبائی یزدی، ۱۴۰۹: ۱/ ۶۳۴).

از این جهت فقهای جهان اسلام، در خصوص قرائت صحیح آن، موضوع را مورد کنکاش قرار داده‌اند، (حلی، رجال‌العامه حلی، ۱۴۱۳: ۱/ ۱۱۵؛ همو، تحریر‌الاحکام، ۱۴۲۰: ۱/ ۲۴۵؛ کاشف‌الغطاء، کشف‌الغطاء، بی‌تا: ۱/ ۲۳۹؛ سبزواری، المعاد، بی‌تا: ۱/ ۲۷۳؛ حسینی عاملی، مفتاح‌الکرامه، بی‌تا: ۲/ ۳۹؛ طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ۱۴۰۹: ۱/ ۶۵۵) و از سوی دیگر مفسرین قرآن نیز درباره آن بحث و استدلال نموده‌اند (زركشي، البرهان، ۱۴۱۰: ۱/ ۴۶۶؛ زرقانی، مناهل‌العرفان، ۱۴۱۶: ۱/ ۴۳۶؛ طوسی، البیان، بی‌تا: ۱/ ۷؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۳۶۵: ۱/ ۱۰؛ شنقیطی، الضواء البیان، بی‌تا: ۱/ ۵؛ آلوسی، روح‌المعانی، ۱۴۰۵: ۱/ ۸۳).

با توجه به اختلاف قرائات از زمان پیامبر اکرم ﷺ تاکنون و به دلیل عدم نقطه و اعراب گذاری در مصاحیف اولیه، رفته رفته در جهان اسلام، قرائت قرآن، با اختلاف عدیده‌ای مواجه شده است؛ که بررسی دیدگاه‌های علمای اهل تسنن و شیعه می‌تواند، راه‌کاری در رفع اختلاف قرائت قرآن ارائه دهد.

با توجه به اهمیت موضوع مقالات متعددی تا کنون در این خصوص ارائه شده و محققان هرکدام در خصوص این مسأله مهم به کنکاش پرداخته‌اند که پنج مقاله در این خصوص مورد بررسی دقیق قرار داده و در پایان مرور این مقالات، به رفع اختلاف از نقطه نظر علمی (صرف، نحو و لغت) و بهره‌گیری از ادبیات عرب و ترجیح واژگانی و نحوی پرداخته می‌شود.

۱. مقاله «قرآن و قرائت متواتر آن» توسط حبیب اله احمدی که در بهمن ۱۳۷۳ در شماره ۵۸ مجله کیهان اندیشه چاپ شده است. در این مقاله به سرفصل‌هایی چون چرا وحی به صورت لفظ نازل می‌شود، پیامبران و هم‌زبانان با قوم خود، نزول تدریجی قرآن، سیرهای عقلی و اختلاف قرائت - پیامبر اسلام ﷺ و اختلاف قرائت - امامان شیعه و اختلاف در قرائت، قرائت صحیح و... پرداخته است.

۲. مقاله «کارکرد قرائات هفت‌گانه در فقه شیعه» توسط محمدتقی دیاری بیدگلی استادیار دانشگاه قم که در زمستان ۱۳۸۶ در شماره سوم پژوهش نامه قرآن و حدیث درج شده است. موارد مطروحه در این مقاله علمی و پژوهشی و بعد از چکیده و طرح مسأله، قراء سبعة و سبب رواج و شهرت قرائات آنان، حجیت قرائات هفت‌گانه از نظر فقهای شیعه، گونه‌های اختلافات قرائات، راه تشخیص قرائت صحیح

۳. مقاله «تواتر قرآن و چالش‌های فرارو» توسط نانسی ساکی استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز و محمدکاظم شاکر استاد دانشگاه قم در مجله سراج منیر دانشگاه علامه طباطبایی در زمستان ۹۳ شماره ۱۷ درج شده است. که به مسائلی چون تواتر در فرهنگ اسلامی، تواتر قرآن در احوال دانشمندان اسلامی، چالش‌های فراروی تواتر قرآن، سازگاری تواتر قرآن و اختلاف قرائت‌ها پرداخته است.

۴. مقاله «پژوهشی در قرائت صحیح قرآن» توسط علی اکبر بابایی دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه که در تابستان ۱۳۹۴ شماره ۷۵ در فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های قرآن درج شده است. که در واقع بعد از چکیده و مقدمه، عناوینی که نام‌برده در این مقاله به آن پرداخته است؛ تواتر قرائت‌های هفت‌گانه و ده‌گانه، جواز قرائت طبق قرائت‌های متداول یا قرائت‌های هفت‌گانه یا ده‌گانه، اعتبار در خصوص قرائت کنونی.

۵ - مقاله‌ای «روش علامه طباطبایی در مواجهه با اختلاف قرائت در تفسیر المیزان» توسط محسن دیمه کارگراب دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد و مرتضی ایروانی نجفی دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد، که در شماره ۳ در فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء در پاییز ۱۳۹۴

چاپ شده است، و به پیشینه تاریخی مواجهه با اختلاف قرائت، شیوه مواجهه علامه طباطبایی با اختلاف قرائت و ترجیح قرائت پرداخته است. در ضمن می‌توان به مقالاتی دیگر که در این راستا در مجله مطالعات قرائت قرآن جامعه المصطفی العالمیه چاپ شده است اشاره کرد: مقاله «دیدگاه زمخشری در مورد قرائات» که در شماره دوازدهم این مجله و توسط آقای سید ابراهیم مرتضوی و سید محمود طیب حسینی ارائه شده است، و زمخشری در قبال قرائات، رویکردهای مختلفی در پیش گرفته است که عبارتند از: «استفاده از اختلاف قرائت برای غنا بخشی به تفسیر»، «شرح تفاوت‌های لغوی قرائات مختلف آیه»، «استخدام قرائت در ترجیح و جوه تفسیری آیه» و «ترجیح و ارزش گذاری قرائات». او برای ارزش گذاری و گزینش قرائت‌ها معیارهایی چون: «بلوغ معنایی»، «تناسب معنوی»، «قوت معنا و زیبایی لفظ» و «قواعد علم نحو» را به کار بسته است.

مقاله «پژوهشی در قرائت ابی بن کعب و تطبیق آن با قرائت مشهور که در شماره دوازدهم مجله مطالعات قرائت قرآن و توسط آقای دکتر محمد فاکر میبدی و همکاران ارائه گردیده است. در چکیده این مقاله آمده است: بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که قرائت اُبی نه تنها جایگاه والایی در نزد عالمان علم قرائت داشته، بلکه اهل بیت (علیهم‌السلام) شیوه قرائت خود را مطابق با آن دانسته‌اند. روایت شش تن از قرای سبعة در نهایت به قرائت او باز می‌گردد؛ که این امر به وضوح نشانگر تأثیر گسترده او بر قرائت مشهور است.

مقاله «گونه‌شناسی منابع علوم و فنون قرائات در حوزه اصطلاحات دانش قرائت» که در شماره هشتم مجله فوق‌الذکر توسط آقای دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی و آقای محمد امینی تهرانی درج شده است. در چکیده مقاله آمده است: بررسی زبان دانش و شیوه تعلیم آن‌ها از نیازهای ضروری در علوم اسلامی است. توجه به اصطلاحات دانش قرائت و علوم وابسته به آن به عنوان یکی از علوم متقدم اسلامی از جمله راهکارهای بایسته در حوزه تحلیل زبان دانش قرائت به شمار می‌رود. ترجمه، تدوین متون، نقد کتب مصطلحات، بررسی خاستگاه اصطلاحات، گونه‌شناسی آن‌ها و بررسی نقش دانشمندان فریقین از جمله فعالیت‌های مفید و لازم در این عرصه است.

مقاله «بررسی تحلیلی تاریخی روایت قرائت الناس» که توسط آقای دکتر محمد فاکر میبدی و آقای سعید رحیمی در شماره هفتم مجله مطالعات قرائت قرآن انتشار یافته است که در چکیده مقاله می‌خوانیم: موضوع قرائت قرآن و دستیابی به قرائت رسول الله ﷺ از مهم‌ترین

موضوعاتی است که موجب اهتمام محققان و دانشمندان قرآنی از صدر اسلام تا کنون بوده است که با تحقیق به عمل آمده و بارزترین روایت مورد استناد در تعیین قرائت صحیح، روایت منقول از امام صادق علیه السلام با عنوان «اقرأ كما يقرأ الناس» است. که با فرض صحت سندی، می توان نتیجه گرفت؛ که مقصود از قرائت مردم در نزد ائمه علیهم السلام تأیید همه قرائت های رایج و مرسوم آن زمان که مورد تأیید امام القرائه شهرهای بزرگ جهان اسلام بوده، می باشد و روایت مذکور در صدد بیان انحصار یک قرائت نمی باشد.

## مفاهیم و اصطلاحات

در هر علمی اصطلاحات و مفاهیمی وجود دارد که باید آن ها را مطابق تعریف دانشمندان آن علم فهمید و به کار بست. از این رو، برخی از این اصطلاحات و مفاهیم را مرور می کنیم.

### ۱. واژه شناسی قرائت

#### اول - قرائت در لغت

«قرأت الشيء قرأناً: جمعه و ضمنت بعضه إلى بعض، و منه قولهم: ما قرأت هذه الناقه سلی قط و ما قرأت جنیناً، ای لم تضم رحمها علی ولد. و قرأت الكتاب قراءة و قرأناً، و منه سمي القرآن. و قال أبو عبیدة: سمي القرآن، لأنه یجمع السور فیضمها. و قوله تعالى: ﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ﴾ (قیامت / ۱۷) ای جمعه و قراءه، ﴿فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ﴾ (قیامت / ۱۸) ای قراءه» (جوهری، الصحاح، ۱۴۰۷: ۱/ ۶۵).

«القرائة ضم الحروف و الكلمات بعضها الى بعض فی الترتیل و لا یقال للحرف الواحد اذا تفوه به قراءه» (راغب اصفهانی، مفردات الفاظ، ۱۴۲۷: ۶۶۸).

از کلام اهل لغت به دست می آید که قرائت در اصل از ریشه قرأ به معنای ضمیمه کردن و گردآوری اجزای شیء است و از آن رو که شخص در هنگام خواندن و بر زبان آوردن کلمات و جملات حروفی را به یکدیگر ضمیمه می کند به او قرائت گفته می شود.

#### دوم - قرائت در اصطلاح

زکریا انصاری گوید: «قرئت - به کسر قاف و تخفیف راء - از نگاه قرأ عبارت است از: خواندن قرآن کریم، اعم از آن که به صورت تلاوت باشد یا به صورت اداء و دریافت از مشایخ و استادان» (تهانوی، کشاف، ۱۹۹۶: ۲/ ۱۳۱۲).

آیت الله معرفت می‌نویسد: «قرائت در اصطلاح عبارت است از تلاوت وحی الهی به حسب اجتهاد یکی از قراء معروف، بر پایه اصول معینی که در علم قرائت مشخص شده است» (معرفت، آموزش علوم قرآنی، ۱۳۸۱: ۸۵).

مقصود از عنوان قرائت خواندن قرآن همانند قرائت و تلاوت پیامبر ﷺ یا به گونه‌ای مورد تایید آن حضرت باشد، قرائت صحیح نامیده می‌شود «عالمان اهل سنت همه قرائت‌هایی را که به سند صحیح روایت شده و با رسم الخط مصحف عثمانی و قواعد عربی هماهنگ باشد، صحیح می‌دانند» (زرقانی، مناهل العرفان، ۱۴۲۲: ۱/ ۲۹۳).

## ۲. قرائات

بدرالدین زرکشی پس از تعریف قرآن به وحی نازل شده بر پیامبر ﷺ، قرائات را به اختلاف الفاظ این وحی در حروف یا کیفیت آن از قبیل تخفیف و تشدید و مانند آن تعریف کرده است (زرکشی، البرهان، ۱۴۱۰: ۱/ ۳۱۸؛ قسطلانی، لطائف الاشارات، ۱۳۹۲: ۱/ ۱۷۲)، همان‌گونه که از این تعریف بر می‌آید، قرائات و الفاظی از قرآن کریم که در آن اختلاف شده است محدود می‌ماند و الفاظ مورد اتفاق قرآن کریم را در بر نمی‌گیرد (فضلی، القرائات القرآنیة، ۱۴۳۰: ۶۷) و شاید به همین جهت ابراهیم دوسری در تلاش برای ارائه تعریفی عام‌تر، قرائات را به مذاهب اهل اداء در کیفیت الفاظ قرآن کریم از تخفیف و تشدید و غیر آن‌ها تعریف کرده است (دوسری، مختصر العبارات، ۱۴۲۹: ۹۰).

## ۳. علم قرائات

به دانش کیفیت ادای کلمات قرآن کریم و اختلاف آن‌ها همراه با انتصاب این اختلاف به ناقلین آن گفته می‌شود (ابن جزری، ۱۳۵۰: ۳؛ قسطلانی، البرهان، ۱۳۹۲: ۱/ ۱۷۰).

## ۴. قرائات سبع (هفت گانه)

قرائات مشهور منصوب به ائمه هفت‌گانه قرائت از پنج بوم قرائی مکه، مدینه، شام، بصره و کوفه. این ائمه قرائت عبارتند از: نافع ابن عبدالرحمن بن ابی نعیم از بوم مدینه، عبدالله ابن کثیر از بوم مکه، عبدالله ابن عامر یحصبی از بوم شام، ابوعمر و بن العلاء از بوم بصره، عاصم بن ابی النجد، حمزه بن حبیب زیات و علی بن حمزه کسائی از بوم کوفه.

## ۵. قرائات عشر (ده‌گانه)

قرائات مشهور منصوب به ائمه ده‌گانه قرائت، غیر از ائمه قرائت فوق‌الذکر، شامل ابوجعفر یزید بن قعقاع از بوم مدینه، یعقوب بن اسحاق حضرمی از بوم بصره و خلف بن

حشام بزاز از بوم کوفه می‌شود. برخی دانشمندان از این قرائات یا قرائات هفت گانه به قرائات متواتر یاد کرده‌اند (ابن جزری، النشر فی قرائت العشر، ۱۳۵۰: ۱۵). اما همان‌گونه که دانشمندان دیگر تذکر داده‌اند تعریف تواتر (این‌که تمام طبقات تعداد ناقلین به حدی باشد که امکان تبانی بر کذب وجود نداشته باشد) خصوصاً در طبقات نخستین سند این قرائات که نقل واحد از واحد است، صدق نمی‌کند (ابوشامه، المرشد الوجیز، ۱۴۰۶: ۱۷۸؛ زرکشی، البرهان، ۱۴۱۰: ۱/۳۱۹).

## ۶. قرائات شاذ

از دید دانشمندان قرائت، در قرائتی که با رسم مصاحف عثمانی موافقت داشته باشد از صحت نقل برخوردار بوده و با لغت فصیح عرب هم‌خوانی داشته باشد قرائت صحیح و معتبر است و اگر یکی از این سه شرط مختل شود به آن قرائت شاذ و ضعیف اطلاق می‌شود (ابوشامه، المرشد الوجیز، ۱۴۰۶: ۱۷۱) البته در برخی منابع قرائت شاذ را قسمی از قرائات صحیح می‌دانند که به رغم صحت سند و موافق با لغت فصیح عرب، با رسم مصاحف عثمانی مخالفت داشته باشد مانند آنچه که در روایات صحیح از ابن مسعود نقل می‌شود (ابن جزری، النشر فی القرائت العشر، ۱۳۵۰: ۱۶) ولی تعریف نخست معروف‌تر بوده و بر پایه آن قرائات غیر قرائات ده‌گانه، شاذ خوانده می‌شود (ابن جزری، النشر فی قرائت العشر، ۱۳۵۰: ۱۵؛ بناء، إتحاف فضلاء، ۱۴۲۲: ۱۴/۶).

## قرآن و قرائت متواتر آن

### ۱. برهان عقلی و اختلاف قرائت

«یک مرتبه تلفظ هر کلمه ای، یک نوع اعراب بیشتر متحمل نیست. دو نوع هیأت و اعراب از یک کلمه دو تلفظ را ایجاب می‌نماید. لذا برهان عقلی قائم است که یک مرتبه نزول قرآن و یک مرتبه تلفظ آیات، یک نوع اعراب بیشتر نمی‌پذیرد، و قرائت‌های بیشتر از یک، خارج از حقیقت قرآن می‌باشد» (احمدی، قرآن و قرائت متواتر آن، ۱۳۷۳: ۵۸، ۸۹).

### ۲. پیامبر اسلام ﷺ و اختلاف قرائت

به نقل از ابن مسعود؛ در خواندن قرآن، بین دو نفر اختلافی پیش آمد و خدمت پیامبر اسلام ﷺ حضور یافتن و به امر ایشان آن دو نفر به قرائت قرآن پرداختند و قرائت خودشان را به پیامبر ﷺ استناد دادند. حضرت محمد ﷺ برآشفته شدند و روی مبارکشان دگرگون شد و به آن

دو گفتند؛ کلام خدا را همان جوری که آموزش دیدید، بخوانید و از نزد خویش اختراع نکنید و بدعت قرار ندهید که امت‌های سابق به دلیل همین اختلاف در مقابل پیامبران به ورطه نابودی کشیده شده‌اند (طبری، جامع البیان، ۱۴۱۲: ۱/۱۲).

### ۳. امامان شیعه و اختلاف در قرائت

امامان علیهم‌السلام چون حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در برابر اختلاف قرائت ایستادند و آن را امری واحی پنداشتند؛ و از «امام باقر علیه‌السلام نقل شده است قرآن یکی و از نزد خدای واحد است و اختلاف از جانب روات است. مشابه همین مضمون از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است. از حضرت سوال می‌کنند که تعدادی از مسلمانان تعدد بر قرائت متفاوت دارند و می‌گویند قرآن بر هفت حرف نازل نشده است، حضرت با جدیت می‌فرماید: دروغ می‌گویند دشمنان خدا، قرآن یکی است و از طرف خدای واحد نازل شده است» (کلینی، اصول الکافی، ۱۴۱۳: ۱۳۶۵: ۲/۶۳۱). لذا به لحاظ دلایل عقلی و روایی، کلام خدا حاوی یک اعراب و سایر قرائت‌ها دور از واقعیت نص قرآن است.

### ۴. قرائت صحیح

«همه محققین بلکه همه مسلمانان در این مطلب اتفاق دارند که قرآن به تواتر سینه به سینه و نسل به نسل از بدو نزول تا کنون سیر خود را طی کرده است. هیچ محققى در تواتر قرآن تردید ندارد، حتی آنان که قرائات مختلف را صحیح می‌دانند، در عین حال که قرائات را متواتر نمی‌دانند، اما معتقدند قرآن نسل به نسل در بین مسلمانان متواتر بوده و در بحث مصونیت قرآن از تحریف، یکی از ادله عمده همین تواتر قرآن است» (احمدی، قرآن و قرائت متواتر آن، ۱۳۷۳: ۹۱/۵۸).

### ۵. تحریف قرآن

قرآن از تحریف مبراء است، که از هرگونه تغییر و تحریف در امان بوده است و خداوند حافظ کلام خود بوده است و قرآن کریم در صورت کلمه و یا اعراب و جابه‌جایی کلمات و آیات و در افزون و نقصان، هیچ تغییری نیافته است، و چنان‌چه به غیر آن باشد یکی از وعده‌های الهی محقق نشده است (همان). «از نظر زرقانی اگر کسی قرائتش غیر از قرائت‌های صحیح قرآن باشد تحریف و حرام است چون امثال وی همه قرائات را صحیح می‌دانند ولی وقتی قرآن یک نوع اعراب بیشتر نداشته باشد هر قرائتی غیر از قرائت اصلی و متداول صحیح نیست» (زرقانی، مناهل العرفان، ۱۴۱۶: ۱/۱۵۴).

## روایات نزول قرآن بر «احرف سبعه»

احادیث زیادی از طرف امامیه و اهل سنت آمده که کلام وحی به هفت حرف نازل شده، که در واقع همه آن‌ها از حیث سند مخدوش می‌باشند و روایت صحیح که دال بر این باشد که قرآن بیش از یک اعراب و قرائت برخوردار باشد، یافت نشده است (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۹۰۱/۴؛ صدوق، الاعتقادات، ۱۴۱۴: ۳۵۸/۲).

قرآن از شکل واحدی و بیش از یک اعراب نداشته و همانا ثمره اختلاف قرائات به دلیل اعتماد به احادیث ضعیف و یا اجتهاد افراد می‌باشد، که بعضاً در حاشیه قرائت اصلی بوده است. و قرائت واقعی و صحیح در دوران مختلف متواتر بوده است. هم‌چنین سایر قرائات (قرائت قراء سبع) دارای سند نیستند و از واقعیت کلام وحی دور بوده و لذا با توجه به معیار قرائت صحیح بر تواتر در قرائت، قرائت عاصم از حفص با قرائت واقعی، انطباق دارد (احمدی، قرآن و قرائت متواتر آن، ۱۳۷۳: ۹۷/۵۸).

## کارکرد و اعتبار قرائات هفت گانه در فقه شیعه

### ۱. قراء سبعه و سبب رواج و شهرت قرائات آنان

جمعی از مردم در شهرهای مکه، مدینه، بصره، کوفه و شام در قرن دوم، همه تلاش خود را به تعلیم قرائت قرآن قرار دادند و به حفظ و حراست آن همت گماشتند، تا جایی که از دیدگاه مردم تحت عنوان قاریان مشهور و مورد تأیید یاد شدند (زرکشی، البرهان، ۱۴۱۰: ۴۷۶/۱؛ معرفت، التمهید، ۱۴۱۱: ۲۲۹/۲).

لازم به ذکر است که قرائت‌های هفت گانه و مشهور بودن آن بر سایر قرائت‌ها برای اولین دفعه از طرف ابن مجاهد از قاریان مشهور و تراز اول بغداد بحث شد (فضلی، مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات، ۱۴۰۶: ۴۶). از طرفی بعضی نیز چنان برداشت کردند که روایت سبعه احرف بر این مهم نظارت دارد (سیوطی، الاتقان، ۱۴۱۶: ۴۵/۱). طبرسی رحمه الله دلیل تبعیت مردم را در ارتباط با این قرائات دو امر در نظر می‌گیرد:

۱- توجه خاص و قرارداد زمان زیاد در خصوص قرائت قرآن و از سوی دیگر که از دانش بیشتری نسبت به سایر قراء بهره مند بودند.

۲- قرائت این قاریان لفظاً و تماماً از آغاز تا انجام قرآن کریم به مستند به دست آمده است و هم‌چنین به طور عملی نسبت به وجه‌های قرآنی به تلاش و کوشش معروف بودند (طبرسی، طبرسی، ۱۴۱۵: ۲۵/۱؛ فضلی، مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات، ۱۴۰۶: ۴۶-۵۷).

## ۲. صحت قرائات هفت‌گانه از نظر فقهای شیعه

در رابطه با معتبر بودن قرائت‌های هفت‌گانه در بین علمای فقیه شیعه، دو نظر مختلف می‌توان دید:

### دیدگاه اول - تواتر قرائات هفت‌گانه

«گروهی به تواتر قرائات سبع قائل شده‌اند. سید محمد جواد حسینی عاملی در این باره ضمن گزارش اقوال فقها و ادعای اجماع علما بر تواتر قرائات سبع یادآور می‌شود که بیشتر دانشمندان شیعه بر این نظریه که واجب است قرائت طبق قرائات متواتر باشد و آن همان قرائات هفت‌گانه است. در برخی از آثار فقهی اجماع بر تواتر آن‌ها نقل شده و در برخی از آثار دیگر نقل شده است که کسی در باره آن اختلاف نظر ندارد» (نجفی، تحریر الوسیله، بی‌تا: ۲/ ۶۹۰).

«سید محمد کاظم طباطبایی یزدی و سید ابوالحسن اصفهانی راه احتیاط را برگزیدند و مطرح کردند که در نماز از خواندن قرائت هفت‌گانه عدول نشود، در صورتی که آن‌ها به هر قرائت صحیحی نیز حکم داده‌اند، چه از قرائت هفت‌گانه باشد چه نباشد» (طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ۱۴۰۹: ۱/ ۶۵۵).

حضرت امام علیه السلام بنا را بر احتیاط قرار دادند و تأکید کردند که از قرائت هفت‌گانه عدول نشود (خمینی، تحریر الوسیله، بی‌تا: ۱/ ۱۶۵). اگرچه محتمل است روایت (اقرء کما یقرء الناس) ناظر به همین قرائت‌های هفت‌گانه که در بین مردم معروف شده می‌باشد. البته همو بر این اعتقاد است که فقط یکی از خواندن‌ها دارای اعتبار و سایر قرائت‌ها اجتهاد قراء است و بارزترین دلیل بر این می‌باشد که هرکدام صاحبان قرائت‌ها در مقابل قرائت خویش دفاع می‌کند و لذا چنانچه خواندن این قراء به طرق مستند به حضرت پیامبر منتهی می‌شد این همه دلیل و بحث و حجت لازم نبود (سبحانی، جلوه‌های قرآن، ۱۳۷۸: ۱۷۰، خمینی، تفسیر سوره حمد، ۱۳۸۳: ۵۱).

«تواتر قرائات سبع از سوی بسیاری از محققان وفقهای شیعه مردود شمرده شده است» (حسینی عاملی، مفتاح الکرامه، بی‌تا: ۲/ ۶۹۱؛ حکیم، مستمسک العروة الوثقی، بی‌تا: ۶/ ۲۴۳؛ نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۵۶: ۹/ ۲۹۵).

چنانچه هدف از متواتر بودن این خواندن‌ها به نقل قراء هفت‌گانه باشد، با حقیقت دور است، چرا که هرکدام از این قرائات از سوی دو نفر راوی آن و با ارتباط و بدون ارتباط نقل کرده‌اند و در ثانی چنین گفتاری از ارزش لازم برخوردار نیست، زیرا از ابتدا باید معصوم باشد

تا منقول، از اعتبار و حجیت لازم همراه باشد و اگر منظور از تواتر نقل از حضرت محمد ﷺ به قراء سبعة است این نیز به اثبات نرسیده، چون اکثریت قاریان از سند صحیح قرائت برخوردار نبوده تا این که گفته آنان همراه تواتر باشد (معرفت، التمهید، ۱۴۱۱: ۱۴۹). و هرچه نقل شده از خبرهایی است که واقعیت و درستی هیچ یک از آن ها به اجماع نرسیده و سندیت بعضی از آن ها و اتصالش مورد ابهام می باشد (خوئی، البیان، ۱۴۰۱: ۱/ ۱۶۵).

### دیدگاه دوم - قرائات متداول عصر ائمه

بر اساس این دیدگاه قرائات صرف، در قرائت های هفت گانه نمی باشد؛ اگرچه جمع زیادی از علما من جمله آیت الله خوئی خواندن مطابق قرائت های مرسوم زمان ائمه ﷺ اجازه دادند (همان). دیدگاه کسانی نظیر آخوند خراسانی و نیز آقای خوئی نیز بر انکار ملازمه بین جواز قرائت و حجیت آن ها به دلیل این که در روایات «اقرء» آمده است، نه «اعملوا» نادرست می نماید (مکارم شیرازی، انوار الاصول، ۱۴۱۶: ۱/ ۳۸۱).

در ادامه بحث لازم به ذکر است دلیل اصلی این نظر روایتی است که مرحوم کلینی به طریق مستند از امام جعفر صادق ﷺ نقل می کند «سالم ابوسلمه می گوید: در حالی که می شنیدم مردی حروفی از قرآن را می خواند به گونه ای متفاوت از آنچه مردم می خواندند، امام صادق ﷺ فرمود: از این قرائت خودداری کن همان گونه که مردم می خوانند بخوان تا آن که قائم ﷺ ظهور کند سپس هرگاه قائم ﷺ قیام کند کتاب خدا را طبق حدش قرائت خواهد کرد» (کلینی، اصول الکافی، ۱۴۱۳: ۲/ ۶۳۳).

سید محسن حکیم و علامه مجلسی در مراه العقول در خصوص روایت فوق الذکر نقل می کند که آن نمی تواند ناظر بر قرائت های هفت گانه باشد زیرا حصر قرائات در سبع در اوایل قرن چهارم هجری به اتفاق افتاد یعنی دو قرن پس از صدور حدیث. بنابراین روایت را باید به قرائات مشهور در زمان ائمه ﷺ ناظر دانست که پیش از قرائات سبع است. لذا هر خواندنی که به اثبات برسد در زمان امامان ﷺ بین مردم از معروفیت بیشتری برخوردار بوده، جایز قرائت می باشد (طباطبایی حکیم، مستمسک العروة الوثقی، بی تا: ۶/ ۲۴۲).

### ۳. راه تشخیص قرائت صحیح

«اختلاف در خصوص نحوه تلفظ واژگان قرآنی در میان قراء معروف، حدود سی واژه فراتر نمی رود که غالباً به واسطه آن ها دیدگاه های فقهی با اختلاف مواجه می شود. و حال که ظاهر قرآن برای ما حجت است، از میان این قرائت ها کدام را می بایست اصول و مبنایی جهت فهم و

درک احکام فقهی قرار داد؟ و قرائت ارجح کدام است؟ و آیا می‌توان همه خواندن‌ها و قرائت‌ها را صحیح و ضروری تلقی کرد؟ دیدگاه‌های مختلفی ایراد می‌شود و افرادی به متواتر بودن همه قرائت‌ها و یا قرائات سبع اعتقاد دارند، می‌بایست همه قرائت‌ها را جایز دانسته و با لازمه عرفی همه آن‌ها را حجت بدانند».

مرحوم خوئی در پاسخ به این پرسش که آیا می‌توان با قرائت‌های هفت گانه (احکام) شرعی استدلال نمود، می‌نویسد: حق این است که این قرائت‌ها حجیت ندارند و نمی‌توان در صورت اختلاف طبق یکی از آن‌ها به یک کلمه شرعی استدلال نمود، زیرا اولاً، ممکن است قرائت قاریان اشتباه باشد و ثانیاً، نه تنها دلیل شرعی یا عقلی بر وجوب عمل به گفتار یکی از آن قاریان به طور قطع و معین در دست نیست، بلکه عقلاً و شرعاً پیروی از غیر علم و یقین ممنوع شده است» (دیاری بیدگلی، کارکرد و اعتبار قرائات، ۱۳۸۶: ۹۷/۳).

«و برحسب نظر مرحوم آیت الله معرفت، قرائتی صحیح است که با نص متواتر در میان مسلمین ابتدای اسلام تا کنون مطابقت داشته و ایشان در این اعتقاد هستند که در تفسیر باید بر پایه ملاک‌های ذیل، قرائت درست را شناخت:

۱. انطباق با قرآن مکتوب که در طول تاریخ به صورت متواتر نقل شده است؛ ۲. در موارد اختلاف قرائت‌ها، قرائت توده مردم مسلمان که سینه به سینه نقل شده است و در قرآن‌های قدیم و جدید ثبت شده است؛ ۳. یکی از راه‌های پی بردن به قرائت توده مردم، اتفاق همه یا اکثر قراء معروف است؛ ۴. در صورت تساوی دو یا چند قرائت ترجیح با قرائتی است که با قواعد زبان عربی سازگارتر و فصیح‌تر و در زبان عربی رایج‌تر باشد» (معرفت، التمهید، ۱۴۱۱: ۳۹۹/۱).

با توجه به نظریات فوق، مسلماً قرآن کریم بیش از یک نص و یک قرائت نداشته و حضرت محمد ﷺ فقط یک قرائت را به امت آموزش داده است و اختلاف موجود به دلایل ذیل است: بعضی از آن‌ها برگرفته از تفاوت گویشی و لهجه قبیله هاست و برخی به اجتهاد و دلایل و بحث‌های ادبی و نحوی قراء بر می‌گردد و دفاع امامان علیهم السلام در مقابل این قرائت‌های غلط و اشتباه حاکی از هم و غم و مسئولیت آنان در پاس‌داشت از حریم کلام وحی و پیش‌گیری با انحراف و تحریف در نص کلام الهی است. بنابراین تواتر قرائت سبع و عشر قابل قبول نیست، به خاطر این‌که بیشتر آن‌ها حاصل اجتهاد قاریان می‌باشد و به یقین برخی از آن‌ها از ناحیه پیامبر اسلام ﷺ ابلاغ نشده است.

## تواتر قرآن و چالش‌های فرارو

### ۱. روایات دال بر اختلاف قرائات در آیات قرآن

اختلاف قرائات از سابقه بحث برانگیز و دیرینه‌ای برخوردار است که برخی از احادیث مربوطه به زمان رسول گرامی ﷺ می‌رسد. از محتوای این احادیث بر می‌آید که دلایلی برای آسان‌گیری امت توسط پیغمبر ﷺ و اجازه به آن‌ها که به هفت لهجه قرآن را قرائت کنند و از سویی این سکوت پیامبر ﷺ در مقابل قرائت‌های مختلف اصحاب خود دلیل تأیید کننده بر این احادیث تلقی شده است. از طرفی با توجه به توسعه اسلام در سایر ممالک اسلامی و لهجه‌ها و گویش‌ها و آداب و فرهنگ مختلف، اختلاف قرائت گسترش پیدا کرد و در زمان عثمان در این خصوص احساس خطر کردند و لذا با توجه به شواهد تاریخی و یکسان سازی مصاحف و داشتن هرکدام از شهرهای مهم اسلامی از یک امام قرائت، مجدداً مشکل در این خصوص حل نگردید، و هرکدام از آن‌ها به روش خاص قرآن را قرائت می‌کردند که در واقع این موضوع خسارت واقعی به تواتر متن اصلی کلام وحی وارد نمی‌کند (ساکی، ۱۳۹۳: ۱۷/ ۶۹).

### ۲. سازگازی تواتر قرآن با اختلاف قرائات

« محققان علوم قرآنی همواره براین نکته تأکید داشته‌اند که قرآن کریم از طریق حفاظ و قراء معروف به دست ما رسیده است و اختلاف قرائات مستلزم عدم تواتر قرآن نیست زیرا اختلاف در کیفیت اداء کلمه‌ای را منافی با اتفاق در وجود اصل آن کلمه نمی‌دانند و قرائت‌هایی که از قراء به ما رسیده، نمایانگر ویژگی‌های کیفیت خوانش و قرائت آنها است. اصل متن قرآن به طریق متواتر در دسترس ما قرار دارد و آن خلف از سلف برای ما نقل کرده‌اند و قرآن را در سینه‌ها نوشته‌ها نگاه داشتند؛ قراء - منهای اشخاصی که حافظ قرآن بوده‌اند - سعی در نگاهبانی متن قرآن داشتند» (حجتی، ۱۳۷۲: ۳۶۸).

### ۳. دلایلی برای رد تواتر قرائات

«الف) در همه واژه‌های قرآن اختلاف نیست و اختلاف قرائت به واژگان معدودی منوط می‌شود. پس آن‌جا که اختلاف نیست، تواتر وجود دارد و این تواتر همگانی و مقبول تمام مسلمانان است. ب) دلیل دوم مربوط به آن دسته از واژگان که اختلاف قرائت دارند که این اختلاف پایه عقلایی و بر اساس روایات معتبر و سند صحیح باشد، مانند قرائت‌های سبعة که هم اهل تسنن و اهل تشیع آن را می‌پذیرند و فقها جواز خواندن نماز به هر کدام از آن‌ها را صادر کرده‌اند. ج) اختلاف قرائت فقط محدود در واژگان است و همه مسلمانان در ساختار

لفظی و محتوایی قرآن اتفاق دارند. این امر نیز موید تواتر قرآن از بدو رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تاکنون است و اختلاف در قرائت تنها از نظر چگونگی تلفظ یا ساختمان کلمه است و اختلاف در ساختمان کلمه یا حرکات آن با حفظ اتفاق و تواتر در خود کلمه، منافات با تواتر اصل قرآن ندارد» (نانسی، تواتر قرآن، ۱۳۹۳: ۱۷/۷۶).

از آن چه گفته شد برداشت می شود که متواترات از امور روشن و یقینی و بدیهی به شمار می رود و در بحث قرائات روایت واحد هیچ صلاحیتی جهت اثبات کلمات قرآنی را ندارند. باتوجه به این که روایت در خصوص اختلاف مصاحیف و هم چنین اختلاف قرائات چالشی برای تواتر کلام وحی می باشد ولی با دید عمقی در آن مشخص می گردد که تواتر قرآن با این اخبار خدشه دار نمی شود و اختلافات قرائات تواتر قرآن را نفی نمی کند، چراکه تنها در بعضی از کلمات قرآن اختلاف است و امت در غیر واژگان اختلافی، اجماع دارند و این اختلاف در ساختار آیات و سوره های قرآنی هیچ مشکل مبنایی را به وجود نمی آورد.

## قرائت صحیح قرآن

### ۱. تواتر قرائت های هفت گانه یا ده گانه

در قرن دوم هجری قمری، هفت نفر از قراء مشهور در برخی از شهرهای مهم جهان اسلام به عنوان امام در قرائت قرآن بودند و تعدادی از مسلمین در ارتباط با خواندن قرآن از آنها تبعیت می کردند که این هفت نفر به قاریان هفت گانه مشهور شده اند و از قرائت آنها به قرائت های هفت گانه یاد می شود و در ضمن با اضافه شدن سه قاری مشهور دیگر، قاریان ده گانه را شکل می دادند و از قرائت آنها تحت عنوان قرائت های ده گانه یاد می نمایند.

گروهی از فقهای شیعه گفته اند قرآن را باید مطابق قرائت متواتر قرائت کرد و قرائت های متواتر هفت قرائت است (حلی، رجال العلامة حلی، ۱۴۱۳: ۱/۱۱۵؛ حسینی عاملی، مفتاح الکرامه، بی تا: ۳۹/۲)، برخی عالمان اهل تسنن تمامی قرائت های ده گانه را متواتر دانسته اند (زرقانی، مناهل العرفان، ۱۴۱۶: ۱/۶۱۱). و به عقیده آن علماء، قرائت و تفسیر باید براساس قرائت های ده گانه مشهور مورد قبول باشد.

### ۲. جواز قرائت طبق قرائت های متداول یا قرائت های هفت گانه یا ده گانه

برخی از علمای شیعه با وجود این که همه قرائت های فوق را قرائت صحیح نمی دانند، با توجه به تحلیل و بررسی های اسنادی و اجماعی، قرائت صحیح را یک قرائت در نظر می گیرد (طوسی، الاستبصار، ۱۴۱۳: ۱/۷۱).

و با توجه به استناد برخی از روایات (حرعاملی، تفصیل وسائل الشیعه، بی تا: ۸۲۱/۴) قرائت آیات را طبق هر یک از قرائت‌های متداول در میان قاریان یا هر یک از قرائت‌های هفت گانه یا ده گانه جایز می‌دانند. مرحوم طبرسی با توجه به اجماع شیعیان بر جواز خواندن مطابق قرائت معمول در بین قراء قرآن خبر داده است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۱۵: ۱/۱۰). هم‌چنین علامه حلی جواز خواندن قرآن با هر یک از قرائت‌های معمول هفت‌گانه را صادر کرده است (حلی، رجال العلامة حلی، ۱۴۱۳: ۱/۲۶۵). هم‌چنین ضبط واستواری حفص و عاصم و دیگر ویژگی‌هایی که برای آن‌ها مطرح شده است نمی‌توان به آن اعتماد و استناد کرد، که سند صحیحی دال بر قرائت عاصم از روایت حفص به اثبات نرسیده است. چون در کتاب رجال شیعه از آن‌ها به وثاقت یاد نشده است (خوئی، البیان فی علوم القرآن، ۱۴۱۳: ۷/۱۴۸؛ ۱۰/۱۹۵). و رجال‌یون اهل سنت نیز در ضبط و توثیق عاصم و حفص جای اختلاف دارند. ابن سعد مطرح کرده که عاصم، ثقه می‌باشد ولی در حدیث خطای وی افزون است (ابن سعد، الطبقات الکبری، بی تا: ۶/۳۲۰). و ابن حنبل ضمن وثاقت عاصم به اختیار اهل کوفه در قرائت وی صحه گذاشتند (ابن حنبل، العلل، ۱۴۰۸: ۱/۴۲۱) و به نقلی از ابن حجر، عقیلی از سوی حفص عاصم و دارقطنی از اشکال در حفص وی و عجیلی از عثمانی بودن او خبر داده‌اند (عسقلانی، فتح الباری، بی تا: ۵/۳۵).

با توجه به بررسی موارد فوق متواتر بودن قرائت‌های هفت گانه و ده گانه حقیقت نداشته و هیچ برهان و سندی محکم بر آن نمی‌باشد چراکه، در این صورت آیات کلام الله می‌بایست با هفت یا ده قرائت از سوی فرشته وحی نازل می‌شد و این مهم در احادیث امامیه به روشنی رد شده است. نتیجه آن‌که به این قرائت‌ها نمی‌توان استعانت جست ولیکن با صحیح بودن قرائت، طبق اعراب ثبت شده در آیات الهی، می‌توان موافقت کرد و براساس آن حکم شرعی داد.

### روش علامه طباطبایی در مواجهه با اختلاف قرائت در تفسیر المیزان

«علامه طباطبایی رحمته الله در تفسیر قرآن اگر چه قرائت حفص از عاصم را مبنای تفسیر خود قرار داده لکن این امر سبب بی توجهی وی به قرائت‌های دیگر نشده است لذا گاه قرائت‌های دیگر هرچند غیر مشهور و یا شاذ باشد بر قرائت حفص ترجیح داده است و این امر بیانگر جایگاه ویژه اختلاف قرائت در تفسیر المیزان است. به عبارت دیگر وی شهرت قرائت در میان قراء را به تنهایی مرجع یک قرائت ندانسته بلکه ملاک‌های دیگر را مرجع یک قرائت دانسته است. لذا آن‌جا که ملاک‌های دیگر موافق قرائت مشهور باشد ترجیح با قرائت مشهور است و در صورتی

که ملاک‌های دیگر متناسب با قرائت غیر مشهور باشد، قرائت غیر مشهور را ترجیح داده است. در مورد شیوه‌های مواجهه علامه طباطبایی با اختلاف قرائات بیشترین شیوه مربوط به توجه به سیاق آیات است که بیش از ۱۲ مورد در المیزان به وضوح دیده می‌شود. تشخیص مورد تفسیر از قرائت در روایات تحریف نما قریب به ۱۰ مورد و نیز توجه به معنای آیه و عدم ترجیح به دلیل افاده معنای یکسان نیز از شیوه‌های پرکاربرد است که بیش از ۶ مورد در المیزان دیده می‌شود» (دیمه کارگراب، روش علامه طباطبایی، ۱۳۹۴: ۷۸/۲۷).

### رفع اختلاف قرائت قرآن از نقطه نظر علمی

باتوجه به بررسی مقالات علمی در راستای اختلاف قرائت در قرآن کریم به نظر می‌آید، حلقه مفقوده‌ای در آن موجود است که می‌توان با توجه به ملاک‌های ترجیح صحت قرائت و توسل به دانش‌های زبان عربی به رفع اختلاف پرداخت. دانشمندان علم قرائت شروط صحت قرائت را سه چیز دانسته‌اند: موافقت با خط مصحف، صحت سند و شهرت قرائت و پذیرفتگی در زبان عربی (مکی بن ابی طالب، الإبانة، ۱۳۷۹: ۹۰/۵۱؛ ابوشامه، المرشد الوجیز، ۱۴۰۶: ۸۴۵). در خصوص موافقت با رسم مصحف، لازم به ذکر است پس از جریان توحید مصاحف، مسلمانان در همه بوم‌ها ملزم به پیروی از مصاحف عثمانی شدند و پس از عرضه به عثمان، گفت: «در آن اندکی لحن، می‌بینم که عرب آن را با زبان خود اصلاح می‌کند» (ابن شبه، تاریخ مدینه، ۱۳۹۹: ۳/۱۰۳۳؛ ابن ابی داود، کتاب المصاحف، ۱۳۵۵: ۳۲)؛ و اگر املاء کننده از هذیل و نویسنده از ثقیف بود، این خطاها در آن یافت نمی‌شد» (ابوعبید، فضائل القرآن، ۱۴۲۶: ۹۹؛ ابن ابی داود، کتاب المصاحف، ۱۳۵۵: ۳۳). در ارتباط با صحت سند و شهرت قرائت، که ابن جزری معیار اصلی در پذیرش یک قرائت را در آن می‌داند، تا جایی که اگر قرائتی به لحاظ نحوی محل اختلاف باشد، اما از رواج و شیاع برخوردار بود و ائمه قرائت سند آن را صحیح بدانند آن قرائت هم‌چنان معتبر و مورد اتباع خواهد بود (ابن جزری، النشر، ۱۳۵۰: ۱۰/۱). و در مورد پذیرفتگی در زبان عربی خاطر نشان می‌شود که قرآن زبان خود را عربی مبین دانسته (نحل/۱۰۳؛ شعراء/۱۹۵) که از هر کژی به دور است (زمر/۲۸؛ کهف/۱) با وجود این ابن جزری اصل در اعتبار قرائت را بر صحت سند و شهرت قرائت گذاشته به گونه‌ای اگر در یکی از قرائت‌های ده‌گانه حرفی وجود داشت که با زبان فصیح عربی سازگار نبود یا در فصاحت آن اختلاف بود، آن را مانعی در صحت قرائت نمی‌دانست (ابن جزری، النشر، ۱۳۵۱: ۱۰/۱)، که این دیدگاه در نقطه مقابل دیدگاه ابوشامه و

دیگر ائمه قرائت قرار دارد. ابوشامه در کتاب خود می‌گوید «این که ما گفتیم قرائات صحیح به این هفت تن نسبت داده می‌شود و از آن‌ها نقل می‌گردد به این معنا نیست که تمام آن‌چه که از آنان روایت می‌شود به همین صفت است. بلکه از آنان مواردی روایت شده که به خاطر اختلال در یکی از شروط سه گانه ضعیف و شاذ خوانده می‌شود. پس نباید به هر قرائتی که به یکی از ائمه سبعة نسبت داده می‌شود، غره شد و نام صحیح بر آن نهاد مگر آن‌که واجد شرایط مذکور باشد زیرا ملاک، استجماع این ویژگی‌ها است نه آن کسی که قرائت به او منصوب می‌شود» (ابوشامه، المرشد الوجیز، ۱۴۰۶: ۱۷۳). ابوشامه تأکید می‌کند که ملاک موافقت در زبان عربی، گویش فصیح و بلکه لغت فصیحی است که همان گویش قریش و مانند آن است (همان، ۱۴۵).

مکی بن ابی طالب نیز عنوان می‌دارد وجه قرائت باید در عربی ای که قرآن بدان نازل شده شایع باشد (مکی بن ابی طالب، الإبانة، ۱۳۷۹: ۵۱). و در بحث از اختیار قرائت هم قوت وجه در لغت عرب را به عنوان ملاک معرفی می‌کند (همان، ۸۹). در بازگشت به دانشمندان سده‌های دوم و سوم (قبل از تحدید قرائات به وسیله ابن مجاهد) مشاهده می‌کنیم که آنان قرائات را با ملاک پذیرفتگی در زبان عربی نقد و حتی رد می‌کردند. «به هر روی به نظر می‌رسد اگر ما اجماع امت را بر رسم مصحف بپذیریم و سفارش ائمه علیهم‌السلام به پیروی از قرائت مردم (کلینی، اصول الکافی، ۱۴۱۳: ۶۱۹/۲)، می‌باید در قرائاتی که از طریق قاریان ده گانه به ما رسیده قرائاتی را برگزینیم که با زبان فصیح عربی عصر نزول بیش‌ترین همخوانی را داشته باشد و از قرائت به حروفی که از ضعف زبانی برخوردارند پرهیز کنیم» (ذوقی، ملاک‌های ترجیح، ۱۳۵۸: ۶۴).

#### ۱. دانش‌های زبان عربی (صرف، نحو و لغت)

نقد قرائات با معیار زبان فصیح عربی که در آثار دانشمندان متقدم هم‌چون فرّاء، ابن قتیبه، زجاج، نحاس و مکی و نیز برخی دانشمندان دوره میانی هم‌چون ابوشامه نمونه‌های فراوان دارد، به مراتب منطقی‌تر از دیدگاه دانشمندان متأخر است که با ابتناء بر تواتر قرائات با هرگونه نقدی بر پایه دانش‌های زبان عربی مخالفت می‌کند (ابوحیان، البحر محیط، ۱۴۲۰: ۵۸۶/۱؛ سیسی، قواعد نقد القرائات، ۱۴۳۰: ۳۲۱).

دانی نقل کرده است که ابوعمر بن العلاء حروف «بَارِئُكُمْ» (بقره/ ۵۴)، «يَأْمُرُكُمْ» (بقره/ ۶۷)، «يَأْمُرُهُمْ» (اعراف/ ۱۵۷)، «يَنْصُرُكُمْ» (آل عمران/ ۱۶۰) و «يُشْعِرُكُمْ» (انعام/ ۱۰۹) را از طریق بغدادیین به اختلاس حرکت و از طریق رقیین و غیر آن‌ها به سکون خوانده

است و اختیار سیبویه به قرائت اول است (دانی، التیسیر، ۱۴۰۶: ۷۳). ابوشامه پس از نقل این روایات روایت عراقیین را مختار می‌داند زیرا اسکان حرکات اعراب بدون وجود ادغام اعلال یا وقف ناپسند است و با حکمت وضع حرکات اعرابی منافات دارد. سپس جداگانه به سخنانی از زجاج و ابوالفتح عثمان بن جنی استناد می‌کند که سیبویه قرائت ابوعمر و را با اختلاس کسر روایت کرده و سیبویه ضابط‌ترین فرد در روایت از ابوعمر و است. ابوشامه به گفته‌ای از ابوعمر و به نقل از اصمعی در کتاب ابوعلی اهوازی نیز اشاره می‌کند که یک اعرابی چنان کسره «بارئگم» را به اختلاس اداء کرد که نزدیک بود همزه آن را متوجه نشوم. و در نهایت با اشاره به کلام شاطبی، قول حق را روایت اختلاس می‌داند که هیچ محققى نباید غیر آن را اختیار کند (ابوشامه، المرشد الوجیز، ۱۴۳۱: ۳۳۳).

«به هر روی اعتقاد شیعیان به نزول قرآن بر یک حرف (طوسی، البیان، بی‌تا: ۷/۱؛ فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ۱۴۱۵: ۶۱/۱؛ خوئی، البیان، ۱۳۹۴: ۱۹۳؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۶۳۰/۲) در کنار عدم باور آنان به تواتر قرائات (خوئی، البیان، ۱۳۹۴: ۱۵۱) زمینه را برای نقد قرائات بر پایه دانش‌های زبان عربی فراهم می‌سازد و از آن‌جا که قرآن زبان خود را عربی مبین دانسته قوت وجه در زبان عربی، ملاک مناسبی در این جهت خواهد بود» (ذوقی، ملاک‌های ترجیح، ۱۳۵۸: ۹۰).

## ۲. ترجیح متنی با استفاده از علم زبان شناسی

### اول - ترجیح مبتنی بر پیوستگی سوره‌های قرآن

متن رخدادی ارتباطی است، که دارای هفت معیار می‌باشد و اگر یکی از این معیارها دچار اختلال شود، متن دیگر ارتباطی نخواهد بود و نامتن قلمداد خواهد شد (بوگراند و درس‌لر، ۱۹۸۱: ۳). این معیارها عبارتند از:

«انسجام، پیوستگی، نیت‌مندی، پذیرفتگی، آگاهی بخشی، موقعیت‌مندی» (همان، ۳).  
«وجود ارتباط بین جملات مهم‌ترین ویژگی متن است، هنگامی که یک عنصر متنی وابسته به عنصر دیگری در متن باشد، سخن از انسجام است و هنگامی که مقوم ارتباط امری خارج از متن باشد سخن از پیوستگی است» (رنکما، ۲۰۰۴: ۴۹). «در تفسیر دوره معاصر هر سوره به مثابه یک متن به هم پیوسته در نظر گرفته می‌شود و سعی می‌گردد روابط پیوستگی آن کشف گردد و با تکیه بر روابط پیوستگی آن سوره یکی از خوانش‌های آن حرف را ترجیح بخشید» (ذوقی، ملاک‌های ترجیح، ۱۳۵۸: ۱۱۷).

## دوم - ترجیح مبتنی بر همنشینی واژگان در قرآن کریم

«ترکیب نشانه‌های زبانی و در نتیجه همنشینی آن‌ها در هر زبان از قواعد نحوی و معنایی آن زبان پیروی می‌کند و توجه به همنشین‌ها و جانشین‌ها در یک متن می‌تواند در فهم دقیق‌تر آن متن بسیار مفید باشد. یک نمونه قرآنی در این خصوص قابل ارائه است: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ (انسان/ ۳) در این آیه همنشینی دو صفت متقابل را داریم که نشان‌گر تقابل در آن است که چرا تفصیل «إِمَّا» است. آن‌چه که در محور جانشینی جلب توجه می‌کند آن است که چرا در مقابل «شَاكِرًا» به جای «كُفُورًا» (صیغه مبالغه «کافرًا»)، «کافرًا» (صفت مشبه) انتخاب نشده و یا در مقابل «كُفُورًا» به جای «شَاكِرًا» (صفت مشبه)، «شکورًا» (صیغه مبالغه «شاکرًا») نیامده است؟ وقتی به لحاظ تفسیری به این گزینش «شَاكِرًا» (صفت مشبه) در طرف قبول هدایت و «كُفُورًا» (صیغه مبالغه) در طرف امتناع از قبول هدایت نگاه می‌کنیم، در می‌یابیم اگر انسانی در مقابل تفضّل‌ها و نعمت‌های بی‌شمار الهی، قدردان این نعمت‌ها باشد «شاکر» است اما در آن پایه نیست که به او «شکور» اطلاق شود. اما اگر با وجود این همه نعمت و تفضل الهی قدردان نباشد و طریق ایمان را برنگزیند، تنها ناسپاس نیست بلکه «بسیار ناسپاس» (کفور) است (همان، ۱۲۲).

## سوم - ترجیح سبک شناختی در قرآن کریم

«سبک‌شناسی تحلیل متون با استفاده توصیفات زبان شناختی است که نه تنها ویژگی‌های صوری بلکه متن را توضیح می‌دهد که اهمیت کاربردی آن‌ها را در تفسیر متن نشان می‌دهد» (بورکه، ۲۰۱۰: ۵۱۷).

«در حقیقت سبک‌شناسی در این معنا رابطه نزدیکی با بلاغت کلاسیک عربی دارد و عملاً بافت متنی آن اقتضا می‌کند فعلی به صورت مخاطب، غایب یا متکلم بیاید» (ذوقی، ملاک‌های ترجیح، ۱۳۵۸: ۱۳۱).

## چهارم - ترجیح واژگانی در قرآن کریم

ترجیح واژگانی یا ترجیح در سطح واژه ترجیح یک ریشه فعلی یا ساخت صرفی در عبارت مورد نظر است مانند ترجیح «فَازَ لَهُمَا» بر «فَازَا لَهُمَا» در آیه ۳۶ سوره بقره که از دو ریشه فعلی متفاوت هستند. یک نمونه قرآنی در این خصوص قابل ارائه است: ﴿يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ﴾ (بقره/ ۹) نافع، ابن کثیر، ابوعمر و یزیدی، این حروف را «وَمَا يَخَادِعُونَ» و بقیه قاریان «وَمَا يَخْدَعُونَ» خوانده‌اند (بنّا، إتحاف، ۱۴۲۲: ۱۷۰).

طبری ضمن رد نظر ابو عبیده مبنی بر این که «يَخَادِعُونَ» در معنای ثلاثی مجرد است (ابو عبیده، فضائل القرآن، ۱۳۹۰: ۳۱/۱؛ طبری، ۱۴۳۴: ۱۵۸/۱)، قرائت صحیح را «وَمَا يَخْدَعُونَ» می داند زیرا اگرچه منافق با ظاهر سازی برای مومنین (مخادعه) جان و مال خود را در دنیا حفظ کرده است اما به واقع خود را به مهلکه عذاب آخرت انداخته و در حقیقت به خود نیرنگ زده است (همان، ۱۵۷ - ۱۵۹) مکی ابن ابی طالب نیز با این استدلال که «خدعه» فعلی است که (بر مفعول) واقع می شود اما «مخادعه» لزوماً چنین نیست، قرائت «وَمَا يَخْدَعُونَ» را ارجح دانسته است (مکی بن ابی طالب، الکشف، ۱۳۹۴: ۲۲۵-۲۲۶).

دلیل دیگری که طبری برای رد قرائت «وَمَا يَخْدَعُونَ» ذکر کرده آن است که در ابتدای آیه مخادعه را از سوی منافق نسبت به خدا و مومنین اثبات کرده ولی در انتهای آیه آن را نفی کرده است و این تناقض در کلام الاهی جایز نیست (همان، ۱۵۹).

### پنجم - ترجیح نحوی در قرآن کریم

«ترجیح نحوی و یا ترجیح در سطح جمله بررسی حروفی است که یک جمله دستوری یا غیر دستوری شود» برای نمونه آیه ذیل را مثال می زنیم: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ» (بقره/۸۳) قاریان مکه، اعمش، حمزه، کسائی و حسن بصری این حرف را «لَا يَعْْبُدُونَ» و بقیه قاریان «لَا تَعْبُدُونَ» خوانده اند (بناء، إتحاف، ۱۴۲۲: ۱۸۳). از جمله «لَا تَعْبُدُونَ» تا جمله «آتُوا الزَّكَاةَ» متن میثاقی است که خداوند از بنی اسرائیل گرفته و به لحاظ نحوی این جمله و معطوفات آن، جمله تفسیریه برای «میثاق» خواهد بود اما به جز «إِحْسَانًا» که مصدر جانشین فعل امر است، بقیه فعل های متن میثاق به صورت صیغه امر مخاطب آمده است؛ از این رو اولین بند این میثاق نیز باید به لفظ خطاب بیاید. این ترجیح نحوی جدا از ترجیح سیاقی ناشی از این مطلب است که همه افعال و ضمائر راجع به یهود تا انتهای آیه ۸۵ به صیغه مخاطب آمده اند (مکی ابن ابی طالب، الکشف، ۱۳۹۴: ۲۴۹/۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۴۲۶: ۳۷۳/۱).

### ۱۸۴ ششم - ترجیح سیاقی در قرآن کریم

«سیاق به کلامی گفته می شود که معنای مابعد خود را تبیین می کند و لحاق به کلامی گفته می شود که معنای ماقبل خود را تبیین می نماید» (قاسم، دلالة السياق، ۱۴۳۳: ۹۱/۱). در حقیقت سیاق قاعده ای عقلایی است که در هر کلام متصل به کار می رود البته برخی معاصران تحقق سیاق در آیات را منوط به دو شرط اساسی می دانند: احراز پیوستگی در نزول و ارتباط موضوعی (بابایی، روش شناسی تفسیر قرآن، ۱۳۷۹: ۱۲۸).

## نتیجه

تواتر قرائت‌های هفت‌گانه یا ده‌گانه واقعیت ندارد، زیرا افزون بر این که دلیل و شاهی بر آن نیست، مستلزم آن است که قرآن کریم با هفت یا ده قرائت نازل شده باشد و این در روایات شیعه با صراحت نفی شده است و بر حجیت قرائت‌ها دلیل معتبری نیست. پس به حجیت قرائت‌های هفت‌گانه یا ده‌گانه چه براساس تواتر و چه براساس حجیت قرائت‌ها نمی‌توان ملتزم شد. از طرفی قرائت عامه یا قرائت مردم، قرائتی بوده که عموم مردم و نه لزوماً ائمه قرائات بدان می‌خواندند و بر خلاف آن چه که برخی پنداشته‌اند این قرائت تلازمی با روایت حفص از قرائت عاصم ندارد. قرائت عامه در سنت قرایی و تفسیری پیوسته نقش یک مرجع جدی را ایفا می‌کرده و امروزه نیز می‌توان با مراجعه به این سنت از این مرجع در بسیاری از حروف بهره برد. در خصوص ملاک موافقت با دانش‌های زبان عربی اگرچه بیشتر دانشمندان دوره‌های میانی و متأخر اهل سنت با ابتناء بر تواتر قرائات سبعة یا عشرة عملاً با هرگونه نقدی بر پایه دانش‌های زبان عربی مخالفت می‌کنند؛ اما جدا از آن که نقد قرائت مشهور امری متداول در میان دانشمندان متقدم بوده باور شیعیان به نزول قرآن بر یک حرف و عدم تعیین آن در یکی از قرائت سبعة یا عشرة زمینه را برای نقد حروف قرائات بر اساس دانش‌های زبانی فراهم می‌کند. و قوت وجه در زبان عربی و مطابقت با کلام فصیح عربی ملاک‌هایی بودند که در این راستا در کلمات دانشمندان به آن اشاره شده بود. هم‌چنین در رفع اختلاف قرائت قرآن از نقطه نظر علمی به مفاهیم انسجام و پیوستگی اشاره شد که در این دانش‌ها به عنوان یکی از مقومات اصلی «متن» مطرح شده، ظرفیت خوبی هم در تفسیر و هم در ترجیح قرائی ایجاد می‌کند. نگره «سوره» به عنوان یک کلیت واحد و به هم پیوسته که در تفسیر سده چهاردهم به طور جدی مورد توجه دانشمندان اسلامی واقع شده محمل خوبی برای شاخص «پیوستگی» است. از مفاهیم مهم زبان‌شناسی که در حوزه نشانه‌شناسی ساخت گرا و به سرعت در دانش زبان‌شناسی به کار گرفته شد، روابط هم‌نشینی و جانشینی بود. و چنان‌چه قرآن کریم را به منزله یک مجموعه نظام مند از مفاهیم در نظر بگیریم، از روابط هم‌نشینی و جانشینی بین واژگان آن می‌توان در تفسیر و کشف این نظام زبان الهی کمک گرفت. دانش سبک‌شناسی به مثابه مطالعه مجموعه عوامل بافتی اعم از بافت موقعیتی و بافت متنی که ساختار و سبک خاصی را در کلام ایجاد می‌کند، رابطه نزدیکی با بلاغت کلاسیک عربی دارد با عنایت به ترجیحات نازل به متن قرآن از جمله ترجیح واژگانی، ترجیح نحوی، ترجیح سیاقی می‌توان به رفع اختلاف در قرائت قرآن پرداخت و می‌تواند مبنای تحقیقات بعدی در این زمینه باشد و در پایان خاطر نشان می‌شود اختلاف قرائات تنها در برخی از واژگان قرآن است و نه همه واژگان قرآن و لذا همین اختلاف نظر نیز می‌توان با لحاظ دانش‌های زبان عربی و سیاق آیات رفع کرد و به قرائت صحیح و ارجح دست یافت.

## منابع

۱. ابن ابی داود، عبدالله سلیمان، کتاب المصاحف، به کوشش آرتور جفری، مصر: المطبعة الرحمانية، ۱۳۵۵ ش.
۲. ابن الجزری، محمد بن محمد، النشر فی قرائت العشر، به کوشش الضباغ، علی محمد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۵۰ ش.
۳. ابن الجزری، محمد بن محمد، النشر فی قرائت العشر، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق.
۴. ابن بابویه قمی (صدوق، محمد بن علی)، الاعتقادات فی دین الامامیه، تحقیق عصام عبدالسید، بیروت: دارالمفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۵. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، زادالمسیر فی علم التفسیر، تحقیق عبدالرزاق مهدی، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۳۲ ش.
۶. ابن حنبل، احمد، العلل، بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۰۸ ق.
۷. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت: دارصادر، بی تا.
۸. ابن شُبّه، عمر، تاریخ المدینة المنورة، به کوشش فهیم محمد شلتوت، مکه: بی نا، ۱۳۹۹ ق.
۹. ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم: موسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. ابوحیان اندلسی، محمد بن یوسف، البحر محیط فی التفسیر، به کوشش صدقی محمد جمیل، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.
۱۱. ابوشامه مقدسی، عبدالرحمان بن اسماعیل، ابراز المعانی من حرز الأمانی، به کوشش قادری، احمد بن یوسف، بیروت: عالم الکتب، ۱۴۳۱ ق.
۱۲. ابوشامه مقدسی، عبدالرحمان بن اسماعیل، المرشد الوجیز الی علوم تتعلق بالکتاب العزیز، به کوشش طیارآلتی قولاج، انقره، داروقف الربانہ ترکی للطباعة و النشر، ۱۴۰۶ ق.
۱۳. ابوعبید، قاسم بن سلام، فضائل القرآن، به کوشش عدنان الاعلی، صیدا، بیروت: المکتبه العصریه، ۱۴۲۶ ق.
۱۴. احمدی، حبیب الله، پژوهش در علوم قرآن، فاطمیا، ش ۴، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. احمدی، حبیب الله، قرآن و قرائت متواترآن، کیهان اندیشه، ۵۸، ۸۸-۹۸، ۱۳۷۳ ش.

۱۶. آخوند خراسانی، محمدکاظم، کفایه الاصول، قم: موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۲۶ق.
۱۷. آلوسی، سید محمود، روح المعانی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۸. انیس، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۴۰۸ق.
۱۹. بابائی، علی اکبر، عزیزی کیا، غلامعلی و روحانی راد، مجتبی، پژوهشی در قرائت صحیحی قرآن، پژوهش های قرآنی، ۲، ۷۵، ۴-۲۷، ۱۳۹۴ش.
۲۰. بابائی، علی اکبر، عزیزی کیا، غلامعلی و روحانی راد، مجتبی، روش شناسی تفسیر قرآن، زیر نظر محمود رجبی، تهران: سمت، ۱۳۷۹ش.
۲۱. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالهادی، ۱۴۱۲ق.
۲۲. بحرانی، یوسف بن احمد، حدائق الناظره، قم: موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم المشرفه، بی تا.
۲۳. البخاری، احمد بن احمد، الهدایه والارشاد فی معرفه اهل الثقه والسداد، تحقیق عبدالله اللیثی، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۷ق.
۲۴. بلاغی، محمدجواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۵. بنا، احمد بن محمد، إتحاف فضلاء البشر فی قرائات الاربعه عشر، به کوشش أنس مهره، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
۲۶. تهانوی، محمدعلی، کشاف اصطلاحات الفنون، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶م.
۲۷. جوادی آملی، عبدالله، نزاهت قرآن از تحریف، قم: اسراء، ۱۳۸۲ش.
۲۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، تحقیق العطار، احمد عبدالغفور، بیروت: دارالعلم للملانی، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۲۹. حجتی، محمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ش.
۳۰. حرعاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسایل الشیعه، قم: موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۳۱. حسینی عاملی، محمدجواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۳۲. حلی، حسن بن یوسف، تحریر الاحکام، قم: موسسه الامام صادق (ع)، ۱۴۲۰ق.

۳۳. حلی، حسن بن یوسف، رجال العلامه حلی، قم: منشورات الاسلامی، ۱۴۱۳ق.
۳۴. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم: موسسه مطبوعاتی دارالعلم، بی تا.
۳۵. خمینی، سید روح الله، تفسیر سوره حمد، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۳ش.
۳۶. خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی التفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ش.
۳۷. خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، بی جا: انوار الهدی، ۱۴۰۱ق.
۳۸. خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی علوم القرآن، بیروت: دار الزهراء، ۱۴۱۳ق.
۳۹. خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحديث، بیروت: دارالزهراء، ۱۴۰۳ق.
۴۰. دانی، ابوعمر و عثمان بن سعید، التیسیر فی القرائات السبع، به کوشش اوتوپرتسل، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۶ق.
۴۱. دانی، ابوعمر و عثمان بن سعید، کتاب التیسیر فی القرائات السبع، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۶ق.
۴۲. دانی، ابوعمر و عثمان بن سعید، جامع البیان فی القرائات السبع، عمارات: جامعه الشارقة، ۱۴۲۸ق.
۴۳. دوسری، ابراهیم بن سعید، مختصر العبارات لمعجم مصطلحات القرائات، ریاض: دارالحضاره للنشر و التوزیع، ۱۴۲۹ق.
۴۴. دیاری، بیدگلی، محمدتقی، کارکرد و اعتبار قرائات هفت گانه در فقه شیعه، پژوهش نامه قرآن و حدیث، ۳، ۸۷-۱۰۲، ۱۳۸۶ش.
۴۵. دیمه کارگراب، محسن و ایروانی نجفی، مرتضی، روش علامه طباطبائی در مواجهه با اختلاف قرائات در تفسیر المیزان، فصل نامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم و قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء (س)، ۱۲، ۲۷، ۴۹-۷۸، ۱۳۹۴ش.
۴۶. ذوقی، امیر، ملاک های ترجیح قرائت و توسعه آن، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۵۸ش.
۴۷. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان، بیروت: الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۴۸. راغب اصفهانی، حسین، مفردات الفاظ قرآن، تحقیق صفوان عدنان، قم: طلیعه النور، ۱۴۲۷ق.

۴۹. زرقانی، محمدعبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.
۵۰. زرقانی، محمدعبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، تحقیق اللحام، بدیع السید، بی جا: دار قطیبه، چاپ دوم، ۱۴۲۲ق.
۵۱. زرکشی، محمدبن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، به کوشش ابراهیم، محمد ابوالفضل، بیروت: دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۳۹۱ش.
۵۲. زرکشی، محمدبن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۰ق.
۵۳. سبحانی، جعفر، جلوه های قرآن در بینش امام خمینی، نشریه بینات، ۲۳، ۲۲، ۱۳۷۸ش.
۵۴. سبزواری، محمدباقر، ذخیره المعاد فی شرح الارشاد، بی جا: موسسه آل البيت، بی تا.
۵۵. سیسی، عبدالباقی بن عبدالرحمان، قواعد نقد القرائات القرآنیه، ریاض: دارکنوز إشبیلیا، ۱۴۳۰ق.
۵۶. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارابن کثیر، ۱۴۱۶ق.
۵۷. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، قم: منشورات الشریف رضی، بی تا.
۵۸. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۵۹. شنقیطی، محمدالامین بن محمد المختار، اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن، بیروت: عالم الکتب، بی تا.
۶۰. صالح، صبحی، مباحث فی علوم القرآن، قم: منشورات رضی، ۱۳۷۲ش.
۶۱. صفی پور، عبدالرحیم بن عبدالکریم، منتهی العرب فی لغه العرب، بی جا: انتشارات کتابخانه ثنائی، بی تا.
۶۲. طباطبائی حکیم، سید محسن، مستمسک العروه الوثقی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۶۳. طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم، العروه الوثقی، بیروت: موسسه الاعلمی، ۱۴۰۹ق.
۶۴. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۶۵. طباطبائی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۵۳ش.

۶۶. طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۶۷. طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۶۵ش.
۶۸. طبری، محمدبن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
۶۹. طوسی، محمدبن الحسن، الاستبصار فی مختلفه من الاخبار، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۱۳ق.
۷۰. طوسی، محمدبن الحسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۷۱. طوسی، محمدبن الحسن، رجال طوسی، نجف: منشورات الحیدریه، ۱۳۸۱ق.
۷۲. طیب، سید عبدالحسین، الطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: کتاب فروشی اسلامی، بی تا.
۷۳. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری، فی شرح صحیح البخاری، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
۷۴. فضلی، عبدالهادی، القرائات القرآنیه: تاریخ و تعریف، بیروت: مرکز الغدیر، ۱۴۳۰ق.
۷۵. فضلی، عبدالهادی، مقدمه ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم، مترجم دکتر سید محمدباقر حجتی، تهران: اسوه، ۱۴۰۶ق.
۷۶. فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، به کوشش حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر، ۱۴۱۵ق.
۷۷. قاسم، عبدالحکیم بن عبدالله، دلاله السياق القرآنی و اثرها فی التفسیر، ریاض: دارالتدمریه، ۱۴۳۳ق.
۷۸. قرطبی، محمدبن احمد، الجامع الاحکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۷۹. قسطلانی، احمدبن محمد، لطائف الاشارات لفنون القرائات، به کوشش عثمان، عامر؛ شاهین، عبدالصبور، قاهره: احیاء التراث اسلامی، ۱۳۹۲ش.
۸۰. کاشف الغطاء، جعفر، کشف الغطاء، اصفهان: انتشارات مهدوی، بی تا.
۸۱. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول الکافی، بیروت: دارالضواء، ۱۴۱۳ق.

۸۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۸۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ش.
۸۴. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۸۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۸۶. مجلسی، محمد باقر، مرآت العقول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۳ش.
۸۷. مطهری، شهید مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲ش.
۸۸. معرفت، محمد هادی، صیانت القرآن من التحریف، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹ش.
۸۹. معرفت، محمد هادی، التفسیر الاثری الجامع، قم: موسسه التمهید، ۱۴۲۹ق.
۹۰. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه نشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
۹۱. معرفت، محمد هادی، آموزش علوم قرآنی، قم: موسسه انتشاراتی التمهید، ۱۳۸۱ش.
۹۲. معرفت، محمد هادی، تلخیص التمهید، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۸ق.
۹۳. مکارم شیرازی، ناصر، انوار الاصول، قم: انتشارات نسل جوان، ۱۴۱۶ق.
۹۴. مکی بن ابی طالب، الإبانة عن معانی القرائن، به کوشش عبدالفتاح اسماعیل شلبی، مصر: دار نهضته مصر للطبع و النشر، ۱۳۷۹ش.
۹۵. مکی بن ابی طالب، الكشف عن وجوه القرائن سبع و عللها و حججها، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۰۱ق.
۹۶. نانسی، ساکی و شاکر، محمد کاظم، تواتر قرآن و چاش های فرارو، سراج منیر، ۱۷، ۵۹ - ۸۴، ۱۳۹۴ش.
۹۷. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۹۸. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۶ش.
۹۹. وحید بهبهانی، محمد باقر، حاشیه مجمع الفائدة و البرهان، بی جا: موسسه علامه المجدد الوحید البهبهانی، ۱۴۱۷ق.

- 100.Burke,Michael (2010). stylistics. the linguistics encyclopedia,Kristen malmkjar. 517 \_ 524. london/ new York:routledge .
- 101.De Beaugrande. robert&wolfgang dressler (1981). introduction to text linguistics. london/ new york:longman
- 102.Renkema, jan (2004). Introduction to discourse studies. Amsterdam Philadelphia:john benjamins .